مهسا گربندی
پرونده
انتخابات ومطالبات اجتماعی

گزارش «جوان» از خواسته جامعه فرهنگیان از نامزدهای ریاست جمهوری

آینده روشن ایران با پاسخ مثبت به مطالبه فرهنگیان

همه چیز ریشه در آموزش‌وپرورش دارد، اگر آینده‌سازان را در مسیر درست تعلیم‌وتربیت قرار دهیم و استعداد کودکان و نوجوانان شکوفا شود، آن وقت شاهد بهبود وضعیت جامعه در حوزه‌های مختلف خواهیم بود. در این زمینه معلمان نقش مهمی ایفا می‌کنند، چراکه آنها تعیین می‌کنند نسل آینده چگونه ببیند، بخواند و بیندیشد، بنابراین توجه به شأن و منزلت معلمان و همچنین مطالبات آنها در ارتقای وضعیت آموزش‌وپرورش کشور اهمیت بسیار زیادی دارد. در این زمینه قوانین زیادی وجود دارد اما اجرای آن کم‌وکاستی‌های فراوانی داشته است. «جوان» سراغ برخی معلمان رفته و درباره مطالبات‌شان از کاندیداهای ریاست جمهوری پرسیده است.

نرگس ملک‌زاده
معلم

خساست برای خرج کردن در آموزش‌وپرورش پذیرفتنی نیست

به نظر من، اولین کاری که باید کاندیدای ریاست جمهوری برای جذب معلمان و به طور کلی جامعه فرهنگی انجام دهد این است که اعتماد ازدست‌رفته این قشر را نسبت به خود و برنامه‌هایش جلب کند.

بدون شک از تأثیرگذاری معلمان در فضای انتخابات باخبر هستید، چراکه آنها فقط یک‌میلیون نفر نیستند، بلکه تأثیری بیش از اینها در روشن کردن مواضع کاندیداها دارند، شاید برای همین است که در انتخابات ادوار گذشته نیز کاندیداها همیشه به سمت فرهنگیان و جذب کردن‌شان رجوع کرده‌اند.

اما در رابطه با مطالبات معلمان از کاندیداهای ریاست جمهوری باید دوسه برنامه که کلیت است، مدنظر قرار گیرد و جزئیات در انتخاب وزیر مشخص می‌شود.

در این زمینه، دولت باید اولویت اول خودش را در آموزش‌وپرورش جان‌دادن به مدارس دولتی بداند، چراکه دارند نفس‌های آخرشان را می‌کشند.

در این سال‌ها مدارس دولتی به شدت تضعیف شده‌اند؛ چه از لحاظ ساختار فیزیکی، چه از لحاظ نیروی انسانی و چه از لحاظ امکانات نرم‌افزاری.

همین موارد موجب کم‌شدن انگیزه معلمان نیز شده و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان را به دنبال داشته است؛ آنها که آینده روشنی برای خود نمی‌بینند.

شاهد آن بودیم که در سال تحصیلی جدید با معضل کمبود معلم مواجه شدیم و این فشار بیشتر در مدارس دولتی بود؛ مدارسی که تا ماه‌ها درگیر نداشتن معلم، تغییر معلم و در نهایت حتی حضور معلم غیرمتخصص در کلاس‌های خودشان بودند، بنابراین به طور کلی اولین کاری که دولت جدید نیاز است انجام دهد، برگرداندن عدالت آموزشی به آموزش‌وپرورش است که یکی از اصلی‌ترین مواردش زنده‌کردن و پویاساختن مدارس دولتی است.

این اتفاق خوب اگر رقم بخورد، نه تنها در معلمان حس خوب و انگیزه ایجاد می‌کند بلکه موجب ایجاد رضایت در دانش‌آموزان که سفیر خانواده هستند نیز می‌شود و آموزش‌وپرورش کشور را متحول می‌سازد.

در این دولت شعار بازگشت به مدرسه را بارها و بارها شنیدیم و می‌گفتند با بازگشت به مدرسه قوی، کشور قوی و ایران قوی خواهیم داشت اما با وجود کارهای انجام‌شده، مدارس دولتی تقویت نشدند؛ متأسفانه این مدارس، سال به سال ضعیف‌تر شدند و صف ورود به مدارس غیردولتی با شهریه‌های هنگفت روزبه‌روز در جامعه بیشتر شد.

در چنین شرایطی آن خانواده‌ای که توان پرداخت شهریه‌های گران را نداشته باشد نیز سعی‌اش بر این است که به سمت مدارسی برود که شهریه کمتری می‌گیرند تا هر طور که شده از مدارس صفر دولتی فرار کند.

در قدم بعدی نیاز است بحث رضایتمندی معلمان و فرهنگیان مدنظر قرار گیرد. توجه به پرداخت حقوق و مزایای این قشر در این زمینه مؤثر خواهد بود.

معلمانی که حقوق‌شان نزدیک به خط فقر و حتی کمتر از آن است، نمی‌توانند با انگیزه و خلاق بمانند چراکه باید به دنبال شغل دوم و سوم، برای گذراندن زندگی‌شان باشند، حتی اگر معلمی عاشقانه و با تمام توانش بخواهد در مدرسه حاضر شود، مشکلات معیشتی، ناتوانش می‌کند و کارا نمی‌شود.

در این زمینه ظرفیت‌های قانونی وجود دارد که از آن استفاده نشده است. ما مواردی مثل فوق‌العاده ویژه ۵۰درصد را داشتیم، رفاهیات کارمندان دولت را داشتیم، با اینکه مصوبه آن هم بود اما به این شکلی که جدول دولت ارائه داد، اصلاً واریز نشد. علاوه بر این باید بحث سرانه بودجه آموزش‌وپرورش نیز مدنظر قرار بگیرد. این موضوع بیشتر متوجه دانش‌آموزان است و انتظار می‌رود دولتی که سرکار می‌آید، همه تلاشش را بکند تا سهم آموزش‌وپرورش را در بودجه کشور بالا ببرد و خساست در پول خرج‌کردن در آموزش‌وپرورش نداشته باشد.

متأسفانه شاهد آن هستیم که همان بودجه مصوب آموزش‌وپرورش نیز کامل به آن تعلق نمی‌گیرد و ما برای گرفتن سهم خودمان از بودجه باید رایزنی و مطالبه‌گری کنیم تا شاید در فهرست پرداخت‌های برنامه و بودجه قرار بگیریم! البته این سهم فقط مربوط به حقوق و مزایا نیست و خیلی از مسائل آموزش‌وپرورش را تحت تأثیر خودش قرار داده است، بدون شک نداشتن پول خیلی از اقدامات مؤثر و خوب را فلج می‌کند.

اولویت مهم دیگر نیز انتخاب وزیر است. وزیر باید در آموزش‌وپرورش شناخته شده باشد و از وجهه بسیار خوب و مورد وثوقی برخوردار باشد تا معلمان بتوانند به وی اعتماد کنند.

مزبان حبیبی
معلم بازنشسته

سهم آموزش‌وپرورش باید به میانگین جهانی برسد

خواسته‌های معلمان مشخص است و عمده این خواسته‌ها مربوط به معلمان نمی‌شود، بلکه دانش‌آموزان، خانواده‌ها و به طور کلی جامعه را نیز دربرمی‌گیرد چراکه اگر آموزش‌وپرورش به مسیر اصلی خود برگردد و کیفیت مدارس بهبود پیدا کند، همه جامعه را نجات خواهد داد.

مطالبه اول این است که ابتدا لایحه فوری از طرف دولت به مجلس برود و تکلیف حقوق معلمان و سایر حقوق‌بگیران را مشخص کند، مطالبه این است که حقوق‌ها حداقل به اندازه خط فقر باشد و نه کمتر از آن، یعنی حقوق هیچ‌کس نباید کمتر از خط فقر اعلامی از طرف بانک مرکزی باشد.

دوم باید فکری اساسی برای سهم آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی کشور شود و این سهم از بودجه عمومی، در فرایند بودجه‌نویسی، طی یک دوره چهارساله ریاست جمهوری به میانگین جهانی برسد. اگر از بودجه عمومی حساب کنیم، باید ۲۵درصد و اگر از تولید ناخالص ملی حساب کنیم باید به ۵/۲ درصد برسد.

بدون درنظر گرفتن دستگاه‌های وابسته خارج از وزارتخانه و ردیف‌های بودجه مربوط به بدهی‌ها، بودجه وزارت آموزش‌وپرورش در سال جاری ۲۵۷هزارمیلیارد تومان تعیین شده است که اگر نسبت به کل ۶/۴میلیون میلیارد تومانی حساب کنیم، سهم آموزش از ۴درصد هم کمتر می‌شود و اگر بخواهیم نسبت به ۳/۸۴میلیون میلیارد تومانی بودجه عمومی دولت حساب کنیم، حدود ۸درصد خواهد بود، در حالی که میانگین جهانی آن حدود ۲۵درصد است، بنابراین این یک حقیقت آشکار است که اگر دولت جدید نخواهد این سهم را به میانگین جهانی برساند، همکاری کردن تمام قد معلمان با دولت نیز هیچ معنایی نخواهد داشت.

موضوع بعدی اینکه باید دولت در همان سال اول شروع به کار، اصل ۳۰ و بند سوم از اصل سوم قانون اساسی در مورد تحصیل را بدون هیچ کم‌وکاستی اجرا کند، یعنی توجیه و تفسیر کردن را کنار بگذارد و عملاً وارد گود اصلاح جداول بودجه شوند. اینکه گفته می‌شود دولت منابع مالی ندارد، پس دولت برای اصول دیگر قانون اساسی هم نباید منابع مالی داشته باشد! بنابراین وقتی برای باقی اصول مشکلی نیست، برای اصل ۳۰، یعنی تقبل تمام هزینه‌های آموزش هم باید منابع مالی را تأمین کند. هزینه‌های آموزش شامل لباس فرم، رفت‌وآمد و کتاب که همه اینها را محاسبه کردیم و برای ۱۴/۵ تا ۱۶میلیون دانش‌آموز، حدود ۳میلیارد دلار می‌شود که در این محاسبه دانش‌آموزان مدارس غیردولتی نیز منظور شده و آنها هم باید مشمول قانون تحصیل رایگان شوند. پرداخت این هزینه‌ها، تبعات مثبت و نتایج بسیار خوبی را به دنبال دارد، مانند کمک به معاش خانواده‌ها، کاستن هزینه‌های تحصیل، فشار کمتر به خانواده‌ها برای تحصیل، کاهش ترک‌تحصیل دانش‌آموزان، رغبت دانش‌آموزان برای حضور در مدرسه و حتی کمی جلوتر، تحقق اهداف دیگری از نظام آموزشی مثل برقراری عدالت آموزشی و افزایش نرخ فرزندآوری را محقق خواهد کرد.

همه ما می‌دانیم هدف از تأسیس مدارس غیردولتی در اسناد بالادستی، کسب درآمد از آموزش نبوده است، دولت تنها قرار بود این وظیفه ذاتی خود را در اجرا به دیگران واگذار کند، نه اینکه هزینه‌های آموزش را به خانواده‌ها تحمیل کند، بنابراین نقض‌غرض شده و سالیان سال است دولت، هزینه آموزش را از جیب خانواده‌ها تأمین می‌کند، در صورتی که در هیچ کجای قانون تأسیس مدارس غیردولتی چنین چیزی وجود ندارد.

موضوع مهم دیگر مربوط به ساختار آموزش‌وپرورش است که قطعاً باید چابک‌سازی شود. شاهد آن هستیم در حوزه وزارت، ادارات کل و سایر ادارات آموزش‌وپرورش، به جز مدیران و معاونان مدارس و گروه اجرایی مدارس، تقریباً ۳۸۰هزار پرسنل داریم! بیش از ۹۰درصد از این ۳۸۰هزارنفر پرسنل مازاد است، این در حالی است که حتی پس از کاهش ۹۰درصد از پرسنل غیرمعلمان نیز هنوز نسبت به میانگین جهانی مازاد نیرو خواهیم داشت! بنابراین باید بیش از ۹۰درصد پرسنل وزارت را کاهش دهیم.

به نظرم، قبل از اینکه دولت جدید سرکار بیاید، باید کاندیداهای ریاست جمهوری ساختار کابینه خود را مشخص کنند و حداقل سه گزینه برای وزارتخانه آموزش‌وپرورش تعیین کنند تا بدانیم رئیس‌جمهور آینده چقدر برای نظام آموزشی کشور دغدغه دارد و برای آن ارزش قائل می‌شود و اینکه می‌تواند خواسته‌های ما را در وزارت آموزش‌وپرورش محقق کند یا نه؟!

میان معلمان و مسئولان پل بزنید

هادی سنگیان
معلم

انتخابات جدید ریاست‌جمهوری در پیش است و یکسری مطالبات از سوی قشر فرهنگیان وجود دارد که امیدواریم مورد توجه و بازبینی کاندیداها قرار گیرد و در نظرشان باشد. اول اینکه یک همکار فرهنگی هیچ‌گونه مزایایی مثل افرادی که در ادارات دولتی کار می‌کنند، ندارد. تنها مزایایی که در اختیار او قرار می‌گیرد، اسکان‌های نوروزی و تابستانه است که آن هم به بدترین شکل ممکن است. اگر همکار فرهنگی بخواهد در نیمه اول فروردین یا تابستان به شهری مراجعه کند، می‌تواند از مدارس شهرستان‌ها استفاده کند؛ مدارسی که اگر خود مسئولان هم به آنجا مراجعه کنند و بازدید میدانی داشته باشند، متوجه شرایط اسفناک‌شان می‌شوند! متأسفانه اصلاً شرایط مناسب برای یک همکار فرهنگی در این اسکان‌ها رقم نمی‌خورد، بنابراین آنها را مقابل زن و فرزندانش خجالت‌زده می‌کند. در این مدارس تنها یک آشپزخانه وجود دارد و همه مسافران باید کارهای پخت و پز را در همان‌جا انجام دهند و بدتر اینکه همه باید از یک حمام استفاده کنند!

نداشتن مزایای شغلی و توجه به آن تنها یکی از مواردی است که دولت جدید باید به آن توجه کند. به طور کلی فرهنگیان از رئیس‌جمهور آینده می‌خواهند شخصی را به عنوان وزیر آموزش‌وپرورش انتخاب کند که تمام هم‌وغمش ارتقای نظام آموزشی کشور باشد؛ شخصی که شأن و منزلت و جایگاه اصلی معلمان را به آنها بازگرداند، نه اینکه آنها را گرفتار گرفتن حق و حقوق اصلی خود کند و مشکلات عدیده‌ای را برای‌شان رقم بزند.

متأسفانه چندین سال است مبلغ حق‌التدریسی‌ها بموقع پرداخت نمی‌شود و بارها و بارها وعده پرداختش داده شده است اما سه ماه به سه ماه یا شش ماه به شش ماه و بدون هیچ برنامه‌ریزی و نظمی به حساب معلمان حق‌التدریس واریز می‌شود.

در این زمینه شاهد اجرای طرح رتبه‌بندی بودیم که ابتدا همه ما را خوشحال کرد اما بعد از اجرا بارها و بارها گفتیم که کاش اصلاً اجرا نمی‌شد، به دلیل اینکه سقف حقوق همکارانی که رتبه۵ گرفته‌اند نیز زیر خط فقر است! در صورتی که باید رتبه‌بندی به گونه‌ای اجرا می‌شد که پایین‌ترین رتبه به اندازه خط فقر حقوق بگیرد و به مراتب حقوق معلمانی که رتبه بهتری دارند، بیشتر و بیشتر می‌شد. از طرفی گفته می‌شد که پس از رتبه‌بندی حقوق‌ها حدود ۸۰درصد هیئت علمی‌ها تعیین می‌شود اما این کار هم انجام نشد، در صورتی که به نظر ما، هیئت علمی‌ها باید ۸۰درصد رقم حقوق ما را بگیرند، چراکه ما ۲۴ساعت هفته درگیر تعلیم‌وتربیت بچه‌ها هستیم ولی آنها ۱۶ تا ۱۸ساعت درگیر کار هستند.

امیدوارم صدای ما به گوش مسئولان برسد؛ صدایی که هیچ وقت به گوش آنها نرسید، اما هنوز امید داریم تا از الان به بعد شاهد اتفاقات خوبی باشیم. به عقیده من پس از این، باید یک پل برای ارتباطات مؤثرتر و بهتر میان معلمان و مسئولان وزارتخانه آموزش‌وپرورش ایجاد شود تا در نظام آموزشی کشور تحولی شگرف رخ دهد.

علی حسنوند
دبیر آموزش‌وپرورش

بخشی از مطالبات فرهنگیان از دولت چهاردهم

قبل از هر سخن و هر گفتاری شهادت مظلومانه رئیس‌جمهور و همراهان ایشان را به پیشگاه ملت قدرشناس ایران عزیز تسلیت عرض می‌کنم و به پاس تمامی زحمات ایشان نهایت سپاسگزاری خود را ابراز می‌دارم.

دولت چهاردهم بنا به رخدادهای انجام‌گرفته یک سال قبل‌تر از موعد مقرر در پاستور حاضر خواهد شد و مطالبات مردمی از این دولت نیز به تبع آن زودتر آغاز خواهد شد.

ایجاد فرهنگ مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز و رشد و توسعه آن در انسجام و وحدت ملی و مستحکم‌ترشدن بنای حکومت نقش بسزایی خواهد داشت چراکه هر نهادی به دور از هر حرکت خشونت‌آمیزی با مطالبات خشونت‌پرهیز به اهداف خود نزدیک‌تر می‌شود، البته این امر مشروط به آن است که تصمیم‌گیران کشور گوشی برای شنیدن مطالبات مردمی داشته باشند.

جامعه بزرگ فرهنگیان با جمعیت میلیونی در سراسر کشور که از ارکان اصلی در رخدادهای اجتماعی محسوب می‌شوند با مشکلات متعددی مواجه هستند که حل این مشکلات یا بخشی از آن رابطه مستقیمی با دولتی که روی کار خواهد آمد، دارد.

این جامعه آماری که بزرگ‌ترین ارگان دولت به حساب می‌آید، موتور ترقی جامعه نیز بر اساس توسعه آن حرکت خواهد کرد.

لزوم نگاه جدی برای حل‌وفصل کردن مطالبات این نهاد بزرگ، باید به یک ضرورت مهم برای دولت چهاردهم تبدیل شود. سطوح مطالبات فرهنگیان متفاوت است ولی روی هم رفته سمت و سوی تمامی این مطالبات برای حفظ کرامات مقام معلم در جامعه است.

اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان که مهم‌ترین اقدام دولت سیزدهم برای وزارت «آ.پ» بود با کاستی‌های فراوانی نیز همراه شد که نارضایتی بسیاری را به بار آورد.

فلسفه رتبه‌بندی برای آن طرح شد که معلمان توانمند شناخته شوند و معلمانی که از کاردانی کمتری برخوردار هستند با توانمندسازی خود گام‌های مؤثری را برای کیفیت‌بخشی به کلاس‌های درسی انجام دهند.

شیوه داوری رتبه‌بندی‌ها به شکلی نبود که معلمان توانمند شناخته شوند و همین عامل به پاشنه آشیل این طرح بدل شد.

به گمان بنده مهم‌ترین خصلت یک معلم کلاس‌داری و شیوه انتقال مفاهیم اوست که جایگاه بارزی در شیوه داوری طرح رتبه‌بندی معلمان نداشت.

مهم‌ترین مطالبه‌ای که از دولت چهاردهم می‌توان داشت این است که بخش مهمی از شیوه داوری رتبه‌بندی را در کلاس‌های درسی انجام دهد که معلمان توانمند به درستی شناخته شوند.

بخش دیگری از دغدغه فرهنگیان بازنشسته اجرای طرح همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با همان درصد درنظرگرفته براساس حقوق شاغلان است که اوضاع نامساعد زندگی آنها را تا حدودی تغییر دهد.

با بررسی اجمالی مابین حقوق فرهنگیان با برخی نهادهای دولت با اختلاف فاحشی در میزان درآمدها و دستمزدها مواجه می‌شویم؛ مزایایی که علاوه بر حقوقی که براساس حکم دریافت می‌کنند، برای این نهادها بسیار قابل توجه است.

لزوم عدالت در پرداخت و مزایا از خواسته‌های اصلی کارکنان این نهاد بزرگ از دولت جدید است. دیگر مطالبه مهم اقشار فرهنگی از رئیس‌جمهور جدید فراهم کردن مسکن، به خصوص برای نسل جدید فرهنگیان است که علاوه بر مشکل مسکن، کمتر از نصف حقوق سایر همکاران خود که از سابقه بالاتری برخوردار هستند، دریافتی دارند.

نبود مسکن و پایین‌بودن حقوق‌ها مشکلات بسیار جدی‌ای برای نسل جدید فرهنگیان ایجاد کرده که از کیفیت تدریس به میزان قابل توجهی کاسته است چراکه مشکلات معیشتی در کاهش کیفیت تدریس نقش اساسی دارد.

در سالیان گذشته و به وفور مشاهده می‌شد که در سال آخر دولت‌ها برای کسب مقبولیت میزان استخدام‌های دولتی را به چند برابر سال‌های قبل تبدیل می‌کردند و در ممیزی‌های قبل از استخدام بررسی‌های کیفی چندانی صورت نمی‌پذیرفت چراکه هدف اصلی زمینه‌سازی برای کسب رأی در انتخابات‌های آینده بود و صدمات سختی به کیفیت کلاس‌های درسی وارد می‌شد. از دولت چهاردهم می‌خواهیم به این رفتارهای ناپسند که میراث دولت‌های پیشین است پایان دهد.